

ریشه‌یابی رقابت‌های مکانی در بستر جغرافیای تاریخی

مورد مطالعه: بررسی تطبیقی شهرهای میبد و اردکان

رضا ملاحسینی اردکانی^۱

چکیده

تعلق مکانی به‌عنوان نتیجه منطقی زندگی اجتماعی انسان در یک مکان جغرافیایی خاص در همه دوران تاریخی وجود داشته است و احساس برتر بودن از سایرین، زمینه‌ساز بروز رقابت‌های مکانی شده است. از نظر مقیاس نیز این رقابت‌ها دربرگیرنده سطوح مختلف محلی تا ملی هستند. شهرهای اردکان و میبد تجانس فرهنگی، تشابه هویتی و مجاورت جغرافیایی دارند که از آن می‌توان به درهم‌تنیدگی جغرافیایی آنها یاد کرد. رقابت‌های مکانی این دو شهر همواره مورد تأمل و سؤال بوده و اینکه در بستر جغرافیای تاریخی این روابط و رقابت به چه صورت بوده موضوع مورد بررسی در این مقاله است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی بوده و با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسناد موجود با روش مطالعه روندی و تفسیر منابع جغرافیایی و تاریخی یافته‌ها گردآوری و تجزیه و تحلیل انجام شده است. بررسی‌ها و یافته‌های این پژوهش بیانگر این نکته است که رقابت‌های مکانی این دو شهر محدود به موضوع‌های خاص و متعلق به سال‌های اخیر نبوده و ریشه این رقابت را باید در جغرافیای تاریخی و حافظه تاریخی ناخودآگاه مردمان این دو شهر جستجو کرد؛ نه فقط در مسائل امروزی تقسیمات کشوری. **واژگان کلیدی:** حس مکان، رقابت مکانی، جغرافیای تاریخی، اردکان، میبد.



۱. مقدمه

گفته شده هویت با سه مقوله مکان (جغرافیا) فضا (شبکه‌ها و روابط اجتماعی) و زمان (تاریخ) پیوند دارد و از ویژگی‌ها و تحول‌های این سه مقوله متأثر می‌شود؛ بنابراین می‌توان مسائل مربوط به هویت را با بررسی پدیده‌هایی که حاوی این سه عنصر هستند مورد بررسی قرار داد. بر این اساس مکان‌ها و محیط‌های بادوام زندگی اجتماعی نظیر، خانواده، محله، روستا، شهر، قبیله و همچنین تعلق‌های بادوام اجتماعی، نظیر صنف، قشر، طبقه و کشور، هرکدام، می‌توانند عرصه‌ای برای شکل‌گیری، تداوم و تحول هویت و به تبع آن زمینه‌ای برای بررسی مسائل مربوط به هویت باشند (بشیری، ۱۳۸۳: ۱۱۶)؛ از این رو ناحیه و مکان و سایر عناصر جغرافیایی، برای افراد و گروه‌های مختلف ارزشمند است، زیرا عناصر و اجزای هویت آنان را تشکیل می‌دهد (کاوایی راد، ۱۳۸۹: ۵۶). مکان علاوه بر بعد مادی، از بعد غیرمادی نیز برخوردار است و احساساتی را در ساکنان خود ایجاد می‌کند. به واسطه این احساسات، نوعی تعلق به مکان در افراد ایجاد می‌شود که به شکل‌گیری هویت مکانی منجر می‌شود که از این نیروی معنوی به عنوان «حس مکان» یاد می‌شود. یکی از نتایج پرننگ شدن هویت و تعلقات مکانی، بروز رقابت‌های مکانی است؛ این رقابت‌ها در مناطق مختلف جغرافیایی و در دوره‌های مختلف زمانی، خود را به شکل‌های گوناگون به نمایش می‌گذارد (احمدی پور و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۷)؛ در واقع امتداد بسیاری از رقابت‌های مکانی در مناطق مختلف را می‌توان در دوره‌های گوناگون تاریخی مورد بررسی قرار داد؛ بدین منظور چنین پژوهش‌هایی در قالب مطالعات جغرافیای تاریخی قرار می‌گیرند. موضوع جغرافیای تاریخی توصیفی، تدوین سامانمند اطلاعات متون جغرافیایی و تاریخی کهن برای بازآفرینی سکونتگاه‌های انسانی و مسائل جغرافیای انسانی در زمان گذشته است (قریب، ۱۴۰۰: ۶۸). در جغرافیای تاریخی بازنمود مسائل مکانی فضایی گذشته برای تحلیل الگوها و فرایندهای کنونی ضروری است؛ به عبارتی جغرافیای تاریخی شامل بازسازی محیط‌های گذشته به شیوه بررسی وقایع در یک زمان یا ارزیابی آنها با توجه به تحول‌های تاریخی گذشته است (فتحی، ۱۳۹۹: ۵۶).



ریشه‌یابی رقابت‌های مکانی در بستر جغرافیای تاریخی

در بیشتر مطالعاتی که به بررسی رقابت‌های مکانی پرداخته‌اند، تفاوت‌های فرهنگی، نژادی، مذهبی و جغرافیایی بین مناطق عامل به وجود آمدن رقابت‌ها شناخته شده است و پژوهشگران کمتر به بررسی روند آن در بستر تاریخی و جغرافیایی مناطق پرداخته‌اند. بررسی رقابت مکانی شهرهای میبد و اردکان از آن رو با سایر مناطق متفاوت است که این دو شهر از درهم‌تنیدگی هویتی جغرافیایی برخوردارند، یعنی علاوه بر تجانس کامل زبانی، فرهنگی، مذهبی و نژادی، از پیوستگی جغرافیایی نیز برخوردار بوده‌اند و امروزه روی زمین هیچ فاصله‌ای بین این دو شهر نیست. هدف اصلی این پژوهش پی بردن به علل و ریشه‌های تاریخی رقابت‌های مکانی این دو شهر با مقایسه تطبیقی تعاملات تاریخی جغرافیایی آنها است؛ بر این اساس و با توجه به بررسی منابع و ادبیات موجود در این ارتباط، فرض اصلی این مقاله بدین‌گونه صورت‌بندی شده است که به نظر می‌رسد ریشه رقابت‌های مکانی این دو شهر را باید در گذشته و روابط متقابل این دو شهرستان نسبت به هم جستجو کرد و در بستر جغرافیای تاریخی یافت.

۲. ادبیات نظری

۲-۱. مکان

مفهوم مکان یکی از مفاهیم اساسی در اندیشه جغرافیایی است (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۹). مکان بخشی از فضای جغرافیایی است که به صورت یک دستگاه و مجموعه محدود شده است که در آن روابط اجتماعی، هویت و زندگی به وجود می‌آید (شکویی، ۱۳۸۲: ۸۷)؛ بخشی از فضای جغرافیایی است که از سوی فردی یا چیزی اشغال شده است و بار معنایی و ارزشی دارد (مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۳۲). مکان را می‌توان به عنوان محل تقاطع ترکیبی منحصر به فرد از روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متصور شد؛ برخی از این روابط از ماهیتی محلی و برخی از گستره‌ای جهانی برخوردارند (جونز^۱ و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۸۴) که در آن روابط متقابلی میان شرایط مکانی و هویت و زندگی مادی شکل می‌گیرد. انسان‌ها در



مکان‌ها ساخته می‌شوند و مکان‌ها رفتار انسان را تنظیم می‌کنند و به آن جهت می‌دهند (شکویی، ۱۳۸۲: ۲۸۷).

انسان‌ها عموماً تا حد زیادی خودشان را بر اساس مفهوم فضا تعریف می‌کنند و حس هویت خود را از قطعه خاصی از سرزمین می‌گیرند؛ در واقع کمتر فعالیت‌ها در حوزه اجتماع وجود دارد که مرجع فضایی نداشته باشد (قنبری، ۱۳۸۷: ۶۱)؛ در واقع مکان مرکز عمل آگاهانه و اراده انسان‌هاست؛ مرکزی است که در آن از رویدادهای مختلف، تجربه زندگی می‌آموزیم. هویت هر مکان، از سه عامل تشکیل می‌شود: ۱. عوامل مشخص طبیعی و نمود ظاهری آن ۲. فعالیت‌های مشاهده‌پذیر و کارکردها ۳. مفاهیم یا نمادها (شکویی، ۱۳۷۸: ۲۸۰-۲۷۵).

درحقیقت محیط‌های جغرافیایی تجسم فضایی فرهنگ‌ها و هویت‌های خرد و کلان به شمار می‌روند (کاویانی راد، ۱۳۸۹: ۶۵)؛ از این رو هر مکان یا فضای جغرافیایی محتوایی دارد که از عوامل و اجزای ساختاری گوناگونی تشکیل شده است که:

اول: در ارتباط باهم جفت‌وجور شده‌اند و ساختار مکان یا فضا را شکل می‌دهند.

دوم: عناصر مرکب از عوامل طبیعی، انسانی و محیطی هستند.

سوم: این عناصر با یکدیگر رابطه نظام‌یافته و داده‌ستار دارند و سیستمی از روابط را در مکان یا فضا به وجود می‌آورند که می‌توان از آن به «اکوسیستم جغرافیایی مکان و فضا» تعبیر کرد.

چهارم اینکه: عناصر و اجزای مزبور از نظر ماهیتی و کارکردی فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را در ارتباط یا نیازهای فردی و جمعی انسان‌ها ارائه می‌دهند که سازنده درک آنها از ارزش و اعتبار مکان و فضا است.

پنجم: ساختار و اکوسیستم مکان یا فضای جغرافیایی به‌عنوان زیستگاه جمعیت و انسان‌های مقیم یا ساکن در آن عمل می‌کند. عناصر ساختاری مکان و فضای جغرافیایی در سه مجموعه طبیعی و انسانی و جمعیت تبیین می‌شوند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۶۲) که با یکدیگر در رابطه عاملی و میان‌کنشی قرار می‌گیرند و اکوسیستم جغرافیایی را تشکیل می‌دهند (همان: ۱۷۳).



۲-۲. تعلق مکانی و هویت مکانی:

دل‌بستگی به مکان از جمله مهم‌ترین ابعاد رابطه انسان و مکان است. این کیفیت بر پایه تعامل پنج عنصر کلیدی شکل می‌گیرد که شامل انسان، مکان، مشارکت در فرایند طراحی مکان، چگونگی تعامل انسان و مکان و عامل زمان می‌شود (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۱). شناسایی قلمرو با کمک به آگاهی فرد نسبت به خویشتن تا حدودی خودآگاهی فرد را ارتقا می‌بخشد و این کار را با القای نوعی حس ریشه داشتن در یک سرزمین، تقویت می‌کند (مویر^۱، ۱۳۷۹: ۲۳). انسان به زادگاه و نیز مکانی که مدتی در آن زیسته است، علاقه‌مند است و به آن احساس تعلق و وابستگی دارد و نوعی رابطه عاطفی با آن برقرار می‌کند؛ از این رو مکان‌ها منبع مهم هویت فردی و جمعی هستند و مرکزیتی را به وجود می‌آورند که در آن پیوندهای عمیق عاطفی و روانی بین مردم نیز برقرار می‌شود (شکویی، ۱۳۷۵: ۲۷۶). انسان‌ها وابستگی‌های مکانی و سکونتگاهی دارند و براساس آن سطح‌بندی شده‌اند و هر سطحی به آنها هویتی خاص می‌دهد. هر فردی خود را وابسته زادگاه و بوم می‌داند (پورزارع بفرویی، ۱۳۸۷: ۱۷).

در موارد بسیاری دیده شده است که انسان با یک فضا، احساس «این‌همانی» می‌کند؛ به این معنا که آن را قسمتی از «من» خود یا «ما» می‌پندارد. در این حالت ذهنیت فرد از حد خود تجاوز می‌کند، عینیت بخشی از دنیای عینی را تبدیل به ذهنیت خود می‌کند؛ به معنای دیگر آن را بخشی از هویت فردی خود می‌داند؛ هویتی که ساخته اجتماع و محیط اطراف است (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۷۰). چون هویت به واسطه عناصر مشخصه و تشکیل‌دهنده آن مانند مکان، محل و موقعیت قابل تبیین است، می‌توان آن را به عنوان شاخصی مؤثر در تشخیص فضاها و تمایز آنها به کار برد و آن را به عنوان شاخصی فضایی مورد کنکاش قرار داد (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۴)؛ در واقع مهر مکان به عنوان نتیجه منطقی حضور انسان در مکان‌های مختلف جغرافیایی است. انسان با گذار زمان و طی شدن زمانی مشخص نسبت به یک مکان یا مکان‌های خاص احساس تعلق می‌کند؛ در واقع نسبت به مکان وابستگی



پیدا می‌کند و به دلیل عاطفه و علقه‌های شکل‌گرفته، تعلق خود را به مکان‌های مشخص، موضوعی مقدس به شمار می‌آورد (احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۰)؛ با این حال حس مکان از نظر مفهومی، از سطوح مختلفی برخوردار است. شامای^۱ برای حس مکان سه مرحله اصلی «تعلق به مکان»، «دل‌بستگی به مکان» و «تعهد به مکان» را با هفت سطح تعیین می‌کند. این سطوح، کاربرد فرایند حس مکان را نشان می‌دهند که از بی‌تفاوتی تا حس فداکاری نسبت به مکان را، به ترتیب زیر، شامل می‌شود.

۱. بی‌تفاوتی نسبت به مکان ۲. آگاهی از قرارگیری در یک مکان ۳. تعلق به مکان ۴. دل‌بستگی به مکان ۵. یکی شدن با اهداف مکان ۶. حضور در مکان ۷. فداکاری برای مکان (فلاح، ۱۳۸۵، ۶۱-۶۲).

۲-۳. رقابت مکانی

مکان‌ها هیچ‌گاه به‌عنوان ساختارهایی بی‌طرف و دارای معانی غیرشخصی و مورد اتفاق نظر عمومی پنداشته نمی‌شوند؛ به‌عکس مکان‌ها از ساخت اجتماعی برخوردارند و توسط افراد و گروه‌هایی ساخته می‌شوند که در جهت نسبت دادن ویژگی‌ها، معانی و نمادهایی خاص به مکان‌ها، به تجربیات، اعتقادات و تعصب‌های خود دست می‌زنند. از طریق چنین فرایندی است که مکان‌هایی ساخته و در یک فضای سرزمینی واحد واقع می‌شوند که درعین حال تفاوت‌هایی نامحسوس با یکدیگر دارند. در اغلب موارد وجود چندین مکان با تفاوت‌های ناچیز با یکدیگر در یک منطقه، مشکل‌آفرین نیست، زیرا این تفاوت‌ها باعث تأثیرگذاری بر روند تعیین خط‌مشی‌ها نمی‌شوند؛ با این حال گفتارهای مکانی متفاوتی که ارائه می‌شوند، غالباً به‌حدی ناهمسان هستند که کشمکش‌های سیاسی متعددی، حتی در مورد مسائلی مانند تناسب توسعه‌های خاص، مشروعیت رهبران سیاسی محلی و حتی نام مکان‌ها بروز می‌کنند (جونز و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۱۰). توانمندی نقش‌آفرینی و کارکردی عناصر و ساخت‌های مکانی فضایی در راستای تأمین نیازهای انسانی، توانمندی ارزشی مکان و فضا و اهمیت آن را در ذهن و برداشت بازیگران سیاسی و اجتماعی شکل



ریشه‌یابی رقابت‌های مکانی در بستر جغرافیای تاریخی

می‌دهد و انگیزه تصاحب و دسترسی به آنها را به منظور تأمین خواست‌ها و نیازهای خود پدید می‌آورد و اقدام و حرکت و رفتارهای رقابتی یا همکاری را در بازیگران سبب می‌شود. بازیگران برای دستیابی به ارزش‌ها و فرصت‌های مکان و فضا و کاربرد آن به نفع خود و یا علیه دیگران و رقبا، از یکی از الگوهای رفتاری مسالمت‌جویانه یا زورمندانه استفاده می‌کنند. در الگوی مسالمت‌جویانه و بر پایه بده‌وبستان داوطلبانه و سودگرایی خودانگیزخته و یا به عبارتی وابستگی متقابل، بازیگران سعی می‌کنند مزیت‌های مکانی و فضایی خود را که ناشی از کارکرد آنهاست، با یکدیگر معاوضه کنند. در الگوی زورمندانه، بازیگران قدرتمندتر با توسل به روش‌ها و ابزارهای متکی به قدرت سعی می‌کنند به صورت رسمی یا غیررسمی، آشکار یا پنهان، قلدرمآبانه یا فریبکارانه و نظایر آن، ارزش‌ها و توانمندی‌ها و فرصت‌های مکان و فضا را تصاحب تا منافع و نیازهای خود را تأمین کنند یا آنها را علیه رقبای خود به کارگیرند و بدین ترتیب سلطه خود را گسترش دهند و تضمین نسبتاً پایداری برای حفظ قدرت و سلطه یا تأمین مستمر نیازهای خود فراهم آورند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۸۸).

اجتماع انسان‌ها در هر مکان و در هر زمان و به هر منظوری که بوده باشد، تحت تأثیر روابط آنها با یکدیگر و همچنین با سایر جوامع بوده است (شیعه، ۱۳۸۱: ۲). توسل به اجتماع از راه دفاع از فضا یا شکل‌های هویت گروهی، هنگامی معنا می‌دهد که فضاها عمومی غیردوستانه به نظر می‌رسند؛ وقتی که بیگانگان تهدیدآمیز یا بالقوه تهدیدآمیز به نظر می‌آیند (تانکیس، ۱۳۸۸: ۳۹). رقابت‌های دیرینه و حتی بسیار کهنه‌ای که بین کانون‌های شهری در یک ناحیه وجود دارد و ریشه آنها را باید در برخوردها و جنگ‌های قدیمی محلی و ناحیه‌ای جستجو کرد، بر جریان ناحیه‌گرایی اثر می‌گذارد و آن را تشدید می‌کند (جیروند، ۱۳۷۴: ۲۶)؛ بنابراین تقسیم سرزمین به هر نحو که انجام گیرد، به صورت اجتناب‌ناپذیر، تضادها، تقابل‌ها و حمایت‌هایی را در میان افراد و گروه‌های اجتماعی در بر خواهد داشت (اخباری و یداللهی، ۱۳۸۴: ۲۶).



۴-۲. جغرافیای تاریخی

جغرافیای تاریخی دانشی ترکیبی و میان‌رشته‌ای است که از مطالعات و دیدگاه‌های دو حوزه جغرافیا و تاریخ استفاده می‌کند و به بررسی علل حوادث، تفاوت‌ها، تشابه‌ها، الگوها و چگونگی پراکندگی حوادث تحت یک نظام تاریخی در بستر مکان و در ارتباط با زمان می‌پردازد که هدف آن شناخت همگونی یا ناهمگونی تاریخی، همسانی یا تنوع فضایی و مکانی فرهنگ‌هاست (باقری، ۱۳۹۷: ۲۳)، اما در تعریف جغرافیای تاریخی نظریات متنوعی مطرح است. برخی آن را علمی می‌دانند که تأثیر محیط جغرافیایی را بر وقایع تاریخی، سیر تکامل دولت‌ها و تغییرات مرزی‌شان و تاریخ اکتشاف‌های جغرافیایی را بیان می‌کنند؛ به عبارت دیگر جغرافیای تاریخی شامل بازسازی محیط‌های گذشته به شیوه بررسی سلسله‌وقایع در یک زمان یا ارزیابی آنها با توجه به تحول‌های گذشته است (فتیحی، ۱۳۹۹: ۵۴).

هدف اصلی در جغرافیای تاریخی، شناخت شرایط زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گذشته انسان در ارتباط با محیط جغرافیایی اوست؛ بدین ترتیب چهار مؤلفه اثرگذار در پژوهش‌های جغرافیای تاریخی، زمان (بعد تاریخی)، مکان (بعد جغرافیایی)، انسان (عامل تغییرات) و فرهنگ (محرک اصلی تغییرها و تحول‌ها در چشم‌اندازهای جغرافیایی) هستند (باقری، ۱۳۹۷: ۲۰)؛ از منظری دیگر پژوهش‌های جغرافیای تاریخی در قلمرو دانش تاریخ را در دو سطح می‌توان تعریف کرد؛ نخست سطح «توصیفی» که موضوع آن بازسازی جغرافیایی شهرها و سکونتگاه‌های انسانی در زمان گذشته است و دوم سطح «تحلیلی» که موضوع آن تأثیر مسائل جغرافیایی بر چرایی پیدایش و بروز حوادث تاریخی است. جغرافیای تاریخی توصیفی آن چنان‌که از نامش پیداست به بازآفرینی جغرافیای انسانی در مقیاس زمان گذشته می‌پردازد. همه مسائلی که در جغرافیای انسانی مطرح می‌شود و موضوع آن رابطه انسان با محیط است؛ اگر در یک دوره تاریخی خاص مورد پژوهش قرار گیرد، نتیجه آن، پژوهش جغرافیای تاریخی توصیفی خواهد بود. اینجا نکته مهم حضور انسان و رد پای او در توصیف گذشته است. شناسایی وضعیت کنونی جمعیت‌ها و فرهنگ و مذاهب یک ناحیه، جغرافیای انسانی است، اما اگر بر اساس متون تاریخی و جغرافیایی گذشته به بررسی



ریشه‌یابی رقابت‌های مکانی در بستر جغرافیای تاریخی

پراکندگی جمعیت و اقوام و مذاهب پرداخته شود، این کار را می‌توان جغرافیای تاریخی و نه جغرافیای انسانی دانست (قریب، ۱۴۰۰: ۵۸).

۳. روش تحقیق

در پژوهش‌های جغرافیای تاریخی جغرافی‌دانان روابط بین انسان و محیط را اساس کار خود قرار می‌دهند و برای درک مسائل امروزی و شناخت چگونگی شکل‌گیری فضای جغرافیای کنونی ناچارند به گذشته انسان و محیط زندگی او توجه کنند و تغییر و تحول‌هایی را که در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی او در اثر ارتباط انسان با محیط به وقوع پیوسته، تجزیه و تحلیل جغرافیایی کنند (فتحی، ۱۳۹۹: ۵۵). چون جغرافیای تاریخی بدون مبانی نظری مستقل و مستدل است، در ارائه روش پژوهشی خاص و مستقل ناکام است و به همین دلیل در این نوع پژوهش‌ها ترکیبی از روش‌های تحقیق تاریخ و جغرافیا استفاده می‌شود. در جغرافیای تاریخی جغرافی‌دان مانند سایر شاخه‌ها و زیرشاخه‌های جغرافیایی برحسب شرایط متفاوت ناچار است علاوه بر وسایل و ابزار تحقیق گذشته، از روش‌های کمی و آماری و کیفی نیز استفاده کند (باقری، ۱۳۹۷: ۲۵).

پژوهش تاریخی کاربرد روش علمی در مسائل تاریخی است. این پژوهش در حقیقت جست‌وجوی منظمی است در اسناد و مدارک و منابع دیگری که در زمینه مرتبط با پرسش پژوهشگر تاریخی درباره گذشته، حاوی حقایقی هستند. پژوهش تاریخی از آن دست پژوهش‌هایی است که بر موضوعی معین که در گذشته و در مقطع زمانی مشخص اتفاق افتاده است، صورت می‌گیرد. چون در فاصله دو زمان مشخص در گذشته، رویدادهایی به وقوع پیوسته و ابزاری تکمیل شده است؛ بنابراین تلاش پژوهشگر در روش تاریخی بر آن است که حقایق گذشته را از طریق جمع‌آوری اطلاعات، ارزشیابی و بررسی صحت و سقم این اطلاعات، ترکیب دلایل مستدل و تجزیه و تحلیل آنها، به صورتی منظم و عینی ارائه کند و به نتایج پژوهشی قابل دفاع در ارتباط با فرض یا فرض‌های ویژه پژوهش برسد؛ بر این اساس برای انجام این پژوهش منابع مکتوب در حوزه‌های تاریخ و جغرافیای تاریخی استان یزد شامل منابع کهن و کتاب‌های تحلیلی جدیدتر مورد بررسی و دقت قرار گرفت و سعی شد در



بررسی‌های صورت گرفته به معتبر بودن منابع و مطالب دقت و از دخالت دادن برداشت‌ها و تعلقات شخصی پژوهشگر پرهیز شود.

از سوی دیگر چون منشأ رقابت‌های مکانی متأثر از عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی است، به عنوان یکی از علایق جغرافی دانان سیاسی مطرح بوده است. این پژوهش در ادبیات جغرافیای سیاسی کاربردی طبقه‌بندی خواهد شد. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی درصدد است تا به صورت نظری و کاربردی، ضمن ریشه‌یابی نقش احساس مکانی بر رقابت‌های مکانی، به تشریح ارتباط این دو متغیر در بستر جغرافیای تاریخی بپردازد؛ در همین ارتباط تحول‌های رخ داده ناشی از تأثیر تعلق مکانی بر رقابت‌های مکانی بین شهرهای اردکان و میبد در استان یزد تشریح و تجزیه و تحلیل خواهند شد تا ارتباط میان دو متغیر بررسی و نتیجه به صورت ملموس مشخص شود.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. سیر تاریخی رقابت‌ها

هویت یک فضا زمانی معنا پیدا می‌کند که اطلاعات مختلفی در مورد آن فضا، از زمان دیگر وجود داشته باشد و بتوان آنها را برای مقایسه و انطباق با معنی موجود، به منظور تشخیص هویت به کار برد؛ از این روست که در صورت امکان انطباق تصویر ذهنی فرد با فضای مورد نظر، فضا را «باهویت» می‌نامند (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۶۹). آنان که در پژوهش‌های خود بر استمرار ساختارهای سازمانی و همبستگی درازمدت مناسبات گروه‌های اجتماعی با فضا، به ویژه فضای ناحیه‌ای تأکید دارند، بستری نو را با عنوان «کرونوژئوگرافی» در پژوهش‌های جغرافیایی مطرح می‌کنند؛ جغرافیایی که در آن به زمان اجتماعی و طول زمان درک شده اهمیت خاصی داده می‌شود؛ به عبارت دیگر یک جریان پژوهشی جغرافیایی است که برای روشن‌گری نوع زندگی انسان‌ها به فهم فرایندهای فضایی در جریان زمان نگاه ویژه‌ای دارد (فرید، ۱۳۷۹: ۸۶)؛ از این رو برای فهم بهتر جامعه ضروری است بدانیم که چگونه زمان و طول مدت آن در انطباق با فضا، تأثیرات روانی و پاتولوژیکی را در سطح جامعه گسترش



ریشه‌یابی رقابت‌های مکانی در بستر جغرافیای تاریخی

می‌دهد (فرید، ۱۳۷۹: ۸۰). برای درک بهتر ریشه‌های رقابت‌های مکانی در منطقه مورد مطالعه نیز ضروری است به مطالعه و بازگویی ریشه‌های تاریخی این رقابت‌ها بپردازیم.

۱-۱-۴. ایجاد دو شهر تا سده هشتم قمری

میبد شهری است که در تاریخ جایگاه ویژه‌ای داشته است و از تمام اقوال این‌گونه فهمیده می‌شود که بنای میبد به پیش از اسلام می‌رسد (موسوی‌نژاد، ۱۳۶۶: ۸). در تاریخ‌های محلی یزد، شهر ساسانی میبد را به چند تن از شاهان این خاندان از جمله یزدگرد، قباد و انوشیروان نسبت داده‌اند و از جمله آنکه یکی از سرهنگان یزدگرد را بانی شهر دانسته‌اند (پویا، ۱۳۷۱: ۱۷). بنیاد نخستین دوره ساختمانی ارگ و شهر میبد کاملاً روشن نیست و در حال‌ای از ابهام و آمیخته به داستان‌های اساطیری باقی مانده است (اسفنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۱۸) اما هسته مرکزی میبد که نارین‌قلعه بوده است، قدمتی به مراتب دیرینه دارد و بر اساس یافته‌های جدید باستان‌شناسی پیشینه سکونت در این قلعه به اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم پیش از میلاد می‌رسد (جانب‌اللهی، ۱۳۸۳: ۲۵).

اشیا و سفالینه‌های به دست آمده پیش از تاریخ، سرباره‌های فلزی مکشوفه متعلق به عصر آهن، مصطبه عظیم خشتی مربوط به دوران ماد، مواد فرهنگی، شهرسازی و آثار معماری وسیع دوران ساسانی به دست آمده از نارین‌قلعه میبد، مسجد مربوط به قرون اولیه اسلامی و آثار بسیار گسترده و جامع معماری و شهرسازی موجود از دوران خاندان مظفر، همگی حکایت از جایگاه، اهمیت فرهنگی و اعتبار تاریخی این شهر دارند (اسفنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۹). با اتکا به اطلاعات و اسناد ارائه شده که بیشتر به اواخر دوران ساسانی اشاره دارند، می‌توان پذیرفت که میبد در دوران ساسانی از جایگاه ویژه‌ای در منطقه برخوردار بوده و اقدام عمرانی و ساختمانی فراوانی توسط سرداران ساسانی در آن انجام شده است؛ هرچند که اسناد فوق، اغلب به ایجاد آن اشاره دارند، ولی سوابق نشان می‌دهد که هسته‌های نخستین آن متعلق به زمانی بس دورتر بوده است و می‌توان پذیرفت که در این زمان، شهر یک دوره پویا و پرتحرک داشته و بیش از پیش توسعه و گسترش یافته است. در این میان می‌توان به ضرب سکه در میبد در دوران پوراندخت ساسانی اشاره کرد. جغرافی‌نویسان اولیه اسلامی نیز



از جمله اصطخری و ابن حوقل، میبد را از جمله شهرهایی برشمرده‌اند که در آن زمان جامع و منبر و مسجد آدینه داشته است. وجود مسجد آدینه نشانه آن است که میبد در آن هنگام منزلت شهری داشته است (اسفنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۲۱).

از سوی دیگر کسی به درستی نمی‌داند که اردکان در چه سالی و نخست به وسیله چه کسی ساخته شده است (طباطبایی اردکانی، ۱۳۸۱: ۴۹). بیشتر مورخان بنای اردکان را به قرون اولیه اسلامی مرتبط دانسته‌اند و معتقدند که پیش از میلاد رسول اکرم (ص) این منطقه جزئی از دریای ساوه بوده که در شب تولد آن حضرت خشک و بعد اردکان در این محل احداث شده است (سپهری اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۲)، زیرا در کتاب‌های تاریخ و جغرافیای قدیم عنوانی از اردکان دیده نمی‌شود و متصور است که یا اردکان بدین نام وجود نداشته یا جای مهمی نبوده است (آیتی، ۱۳۱۷: ۴۹)، ولی در عین حال در جلد هفتم دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، با عنوان اردکان آمده است: «بنیاد این شهر از لحاظ تاریخی دانسته نیست، اما آن را به دوره ساسانی نسبت می‌دهند.» (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد هفتم، ۱۳۷۵: ۴۹۸) همچنان که در جلد دوم دائرةالمعارف تشیع نیز آمده است که: «از نامش برمی‌آید که سابقه آن به ایام پیش از اسلام برمی‌گردد» (دائرةالمعارف تشیع، ج ۲، ۱۳۶۸: ۶۶)، اما اکنون در شهر اردکان هیچ اثر یا سندی که مربوط به پیش از اسلام باشد، وجود ندارد (سپهری اردکانی، ۱۳۷۴: ۲۸).

در بررسی‌های صورت گرفته، تاریخ احداث هیچ‌یک از محله‌ها و قنات‌های اردکان تا پیش از سده ششم هجری مشخص نیست (سپهری اردکانی، ۱۳۷۴: ۲۹) و قدیمی‌ترین آثاری که از زمان‌های قدیم در اردکان باقی مانده، سنگ‌قبری است متعلق به ۵۷۶ قمری (سپهری اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۳)، اما نخستین بار که در کتاب‌های تاریخی نام اردکان مطرح می‌شود، هنگامی است که «شیخ تقی‌الدین دادا محمد» در این شهر مسکن گزیده و به ارشاد پیر خود خانقاهی در این شهر بنا کرده است (طباطبایی اردکانی، ۱۳۸۱: ۱۴۱) این واقعه نمایانگر تحولات و بااهمیت شدن اردکان است و از همان تاریخ است که نام اردکان در متون تاریخی آورده می‌شود (افخمی عقدا، ۱۳۷۶: ۱۲۶).



۲-۱-۴. سده هفتم (آل مظفر)

در سفرنامه تلگرافچی فرنگی (۱۷۸۹) آمده است: «میبد قصبه قدیم است و در اوایل سلطنت مغول شهری بوده است» (حیدریه‌زاده، ۲۵۳۷: ۷). حمدالله مستوفی در این زمان (ایلخانی) تومان یزد را مشتمل بر سه شهر یزد، میبد و نائین دانسته (امیراحمدیان، ۱۳۸۳: ۶۰) و می‌نویسد: «میبد شهری کوچک است و بآب و هوا و حاصل مانند یزد» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۷۴).

اوج شهرت میبد از زمانی آغاز می‌شود که مظفریان به این منطقه آمدند و شروع به عمران و آبادی کردند (موسوی‌نژاد، ۱۳۶۶: ۱۳). به دلیل اهمیت اقتصادی، سیاسی و نظامی شبکه راه‌های میبد در دوران ایلخانان، مبارزالدین مظفر، به سمت راهداری میبد گماشته می‌شود (کتبی، ۱۳۶۴: ۳۶). «سلطان ابوسعید ایلخانی خلعت خاصی به محمدبن مظفر داد و تربیت کرد و میبد بوی داد و راه‌ها همه بوی سپرد و مرسوم خود و صد نوکر معین کرد و به میبد مراجعت نمود و حفظ راه‌ها می‌کرد» (جعفری، ۱۳۸۴: ۴۹). آل مظفر که یکی از مهم‌ترین حکومت‌های محلی ایران در سده هفتم و هشتم به حساب می‌آیند، از سال ۷۱۸ قمری تا ۷۹۵ قمری در ممالک فارس و عراق و کرمان و مدتی هم در آذربایجان به حکومت پرداختند (کتبی، ۱۳۶۴: ۲۷). چنان‌که نویسنده تاریخ یزد می‌نویسد: «... و محمدبن مظفر شیراز و یزد و کرمان و اصفهان و شوشتر و کوه کیلو و رودگرم و خرم‌آباد و قم و کاشان و ساوه و قزوین و سلطانیه و تبریز محاربه کرد و مسخر کرد و مظفر آمد» (جعفری، ۱۳۸۴: ۵۳).

طولی نمی‌کشد که میبد به سبب وجود همین راه‌های سرزمینی در سده هفتم به عنوان پایتخت سران آل مظفر مطرح شد و پس از مدتی با آنکه مرکز حکمرانی آل مظفر از میبد به یزد و سپس به کرمان و شیراز انتقال یافت، اما میبد در تمام دوره آل مظفر اهمیت خود را حفظ کرد (اسفنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۲۷)؛ بنابراین میبد در دوران آل مظفر طعم شیرین پایتخت شدن در بخش وسیعی از مرکز و جنوب ایران را برای زمانی کوتاه چشید (اسفنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۹). آل مظفر اقدام عمرانی و مرمت‌های ساختمانی بسیاری در میبد که در واقع خاستگاهشان بود، انجام دادند که از آن در متون و تواریخ محلی یزد نام برده شده است (اسفنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۲۴). موقعیت میبد در این محدوده زمانی، یعنی از حکمرانی



مظفریان تا اضمحلال کامل آنان به دست امیر تیمور مشخص و نمایان است (موسوی نژاد، ۱۳۶۶: ۱۳).

بنابراین در طول سده هشتم، میبد به دلیل اینکه خاستگاه یکی از سلسله‌های محلی ایران است، به اوج شکوفایی و اثرگذاری خود در طول تاریخ رسید و حتی کوتاه مدتی طعم شیرین پایتختی را نیز چشید، اما در سوی دیگر و در همین زمان؛ چنان‌که گفته شد از برآیند متون کهن می‌توان استنباط کرد که پیش از سده هفتم، آبادی اردکان موجودیت داشته، ولی از آبادانی و اهمیتی برخوردار نبوده است و متون و اسناد به‌جای مانده از آن دوران، به اتفاق، اردکان را همواره «قریه یا دهی از توابع میبد» نام برده‌اند و این روال تا اواخر سده هشتم ادامه داشته است (افخمی عقدا، ۱۳۷۶: ۱۲۷). از جمله این اسناد دو وقف‌نامه معروف و معتبر، یعنی «ربع رشیدی» و «جامع‌الخیرات» است که چنین بیان می‌کنند: «قریه اردکان از قرای میبد» (فضل‌الله همدانی، ۲۵۳۶: ۶۹)؛ «قریه اردکان از دهات ناحیه میبد» (سید رکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۱۴۷). خواجه رشیدالدین فضل‌الله در جای دیگر می‌نویسد: «در ولایت میبد از اعمال یزد و در ده اردکان» (جانب‌اللهی، ۱۳۸۵: ۲۹۹).

۳-۱-۴. پس از آل مظفر

اهمیت فراوان میبد در دوره آل مظفر باعث کینه‌توزی امیر تیمور گورکانی شد. با انقراض سلسله مظفری و قتل عام آنان به دست تیمور، میبد نیز از جایگاه خود فروافتاد (اسفنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۲۵) و نارین قلعه آن به دستور تیمور با خاک برابر گردید (مستوفی بافقی، ج ۳، ۱۳۸۵: ۷۲۲). پس از نابودی این سلسله، تاریخ میبد چندان روشن نیست (موسوی نژاد، ۱۳۶۶: ۱۳)، اما مسلم است که تا این دوره اردکان از توابع میبد محسوب می‌شد و میبد هم به لحاظ آنکه مسقط‌الرأس آل مظفر بود و هم به واسطه قرار داشتن بر سر راه اصلی نسبت به اردکان و آبادی‌های اطراف مرکزیت داشت. اردکان به دلیل دور بودن از راه اصلی یزد به نائین، اهمیت بسیار کمی داشت (افشار سیستانی، ۱۳۶۰: ۵۵)، حتی پس از انقراض آل مظفر و در روزگار جهان‌شاه قراقویونلو احمد کاتب نیز می‌نویسد: «... به قریه اردکان که از ولایت میبد است...» (کاتب، ۱۳۸۶: ۱۴۳)؛ باین‌همه به سبب انقراض آل مظفر و تخریب



ریشه‌یابی رقابت‌های مکانی در بستر جغرافیای تاریخی

میبد که خاستگاه آنان بود به دست رقیبانشان، از جمله تیمور، به تدریج، از رونق این شهر کاسته شد و به همان میزان اندک‌اندک بر رونق کانون جمعیتی مجاور آن، یعنی اردکان افزوده می‌شد و از این دوره، اردکان همراه چندپاره محله‌ها و آبادی‌های هم‌جوار به‌عنوان هسته‌ای مجزا مطرح شده و به‌صورت مستقل به حیات خود ادامه داده است (اسفنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۳۶).

۴-۱-۴. صفویه تا قاجار

یزد در دوران صفوی به‌عنوان یک مرکز تجارت اهمیت بیشتری پیدا کرد. در این دوران راه پایتخت، قزوین، به تهران و از طریق سمنان، جندق به اردکان و یزد رونق بسیاری گرفت و از این رهگذر بر اهمیت قصبه اردکان افزوده شد. در دوران شاه‌عباس و پس از انتقال پایتخت به اصفهان نیز، راه شاهی اصفهان به یزد و کرمان از طریق کلیشاد، ورزنه، سرو علیا و عقدا به اردکان بار دیگر احیا شد (هامون، ج ۵، ۱۳۶۵: ۱۵-۴۸). از دوره صفوی به‌واسطه تغییرات و اصلاحاتی که در شبکه راه‌های قدیمی منطقه به وجود آمد، کم‌کم اردکان به‌عنوان هسته‌ای مستقل مطرح شد (اسفنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۲۶).

به نظر می‌رسد که اردکان در دوره صفوی توسعه قابل ملاحظه‌ای یافته و از یک ده به قصبه ارتقا یافته است. برخی از متون از میبد و اردکان به‌صورت «بلوک میبد و اردکان» یاد می‌کنند؛ و این می‌تواند به‌نوعی بیانگر موقعیت یکسان اردکان در برابر میبد باشد (ابویی مهریزی، ۱۳۸۳: ۶۳). مستوفی بافقی در روزگار شاه سلیمان صفوی از آن با عنوان «بلده» یا «قصبه» نام می‌برد و جدای از میبد به توصیف قصبه اردکان می‌پردازد و اظهار می‌دارد: «... قصبه طیبه اردکان... از قدیم‌الایام محل توطن فضلا و علما و حکما و منجمین و دانشمندان بوده و هست و در میان اصحاب هوش به یونان کوچک اشتهار دارد و حال تقریر این رقبه آن مکان در نهایت معموری است...» (مستوفی بافقی، ج ۳، ۱۳۸۵: ۷۲۶)؛ بنابراین این تعبیر نشان‌دهنده گسترش و آبادانی اردکان در سده دهم هجری است (افخمی عقدا، ۱۳۷۶: ۱۲۸). در عصر صفوی علمای نامداری از اردکان، به‌ویژه در زمینه‌های ریاضی و نجوم برخاستند و گویا اهالی اردکان در این زمینه شهره بوده‌اند تا بدانجا که حتی پیشه‌وران و مردم عادی کوچه



و بازار نیز بدان علاقه مند بوده‌اند (ابویی مهریزی، ۱۳۸۳: ۶۴). مولانا محمدطاهر اردکانی یزدی، از ریاضی‌دانان و منجمان برجسته سده یازدهم هجری در دربار صفوی، از جمله علمای اردکان در عصر مذکور است. شاه صفی قصبه اردکان را به‌عنوان تیول مولانا محمدطاهر اردکانی یزدی مقرر نمود (مستوفی بافقی، ج ۲، ۱۳۸۵: ۳۹۱).

هرچند متون صفوی همچنان از میبد به‌عنوان «قصبه معتبر» یاد می‌کنند (مستوفی بافقی، ج ۳، ۱۳۸۵: ۷۲۱)، اما میبد در دوره صفویان نتوانست اهمیت دیرین خود را بازیابد؛ به‌ویژه آنکه در این زمان میبد چند بار محل اجتماع مخالفان صفویه نیز شده است. مقارن ظهور شاه اسماعیل صفوی افراط در تعصب مذهبی و کشتارهای بی‌مورد، خسارت‌هایی به یزد وارد کرد؛ نمونه آن کشتن دانشمند بزرگ آن روزگار، قاضی میرحسین میبدی است که به اتهام تسنن به آتش قهر سوخت. شاید شورش‌هایی که مردم یزد پس از قتل قاضی میرحسین به راه انداختند و عامل شاه را کشتند، ناشی از این عمل بود (دهقان‌منشادی، ۱۳۸۸: ۳۹). در قیام پسیخانیان نیز، این شهر چندی پناهگاه شورشیان پسیخانی و نقطوی شد (اسفنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۲۵) و شاه‌عباس در ضمن دومین سفر خود به یزد سران ایشان را در شمس‌آباد میبد به قتل رساند (ابویی مهریزی، ۱۳۸۳: ۶۲). در این دوره، از بد حادثه شاه نعمت‌الله نیز به میبد آمد که در تاریخ عالم‌آرا مسطور است (موسوی نژاد، ۱۳۶۶: ۱۸).

پس از صفویه تا قاجار نیز به تدریج از شتون میبد کاسته و بر مراتب اردکان افزوده می‌شد (آیتی، ۱۳۱۷: ۴۹). از علل مهم این رخداد می‌توان به تغییرات ایجادشده در راه‌ها و همچنین تبعید یا سکونت خانواده‌های معتبر و صاحب‌نامی همچون ملک افضل در اردکان اشاره کرد که نسبت به رونق آن منطقه همت گماردند (طباطبایی اردکانی، ۱۳۸۱: ۵۷).

۵-۱-۴. قاجار

عصر قاجار را می‌توان اوج رونق و اعتبار اردکان و در مقابل، کم‌رونقی میبد دانست. در متون این دوره همواره از قصبه اردکان به‌عنوان مهم‌ترین کانون سیاسی اقتصادی منطقه پس از یزد یاد می‌شود (نواب رضوی، ۱۳۸۸: ۱۵۳۵) و در جامع جعفری در جایی ذکر شده است: «... کفیل مهم نیابت قصبه اردکان و بلوک میبد بودند...» (طرب نائینی، ۱۳۵۳: ۸۰۱). نقش مؤثر



ریشه‌یابی رقابت‌های مکانی در بستر جغرافیای تاریخی

علمای اردکان در وقایع مشروطه در یزد کاملاً نمایان بوده (تشکری بافقی، ۱۳۷۷: ۵۳) و در انتخابات پس از مشروطه، به‌ویژه در انتخابات سال ۱۳۲۷ قمری و پس از آن اردکان همواره یکی از حوزه‌های مستقل رأی‌گیری را شکل می‌داده است (ملاحسینی اردکانی، ۱۳۸۶: ۵۲). در این دوره از اردکان با عناوین «قصبه»، «قصبه معتبر» و حتی «شهر» نام برده شده و درباره میبید تعابیر «بلوک»، «قریه»، «ده» و حتی «ده کوچک» به کار رفته است (طرب نائینی، ۱۳۵۳: ۶۲۰؛ نواب رضوی، ۱۳۸۸: ۲۱۹؛ هامون، ج ۵، ۱۳۶۵: ۵۸؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۳۳). چنان‌که مشاهده می‌شود در این دوره موقعیت این دو نقطه در مدت نزدیک به سه قرن کاملاً جابه‌جا می‌شود.

۶-۱-۴. از ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰

پس از انقلاب مشروطه و در ۱۲۸۵ ش برای نخستین بار در تاریخ ایران شاهد مدون شدن اصول و قانون تقسیمات کشوری هستیم که به‌ویژه با روی کار آمدن رضاشاه پهلوی نظام سیاسی کشور از سیستم بسیط به سیستم متمرکز تغییر ماهیت داد که در پی این اتفاق شاهد تغییرات اساسی در نظام تقسیماتی کشور و تعریف عناصر تقسیماتی جدیدی هستیم.

در آغاز این دوران منابع مکتوب و اسناد موجود همچنان از اهمیت و اعتبار اردکان پس از یزد در منطقه خبر می‌دهند. طاهری مؤلف تاریخ یزد در این زمان می‌نویسد: «دهستان اردکان مرکز قصبه اردکان است که مهم‌ترین و پرجمعیت‌ترین قصبات یزد می‌باشد، بلکه جنبه شهری دارد» (طاهری، ۱۳۱۷: ۲۳). آیتی، دیگر نویسنده تاریخ یزد، در همان سال‌ها از اردکان چنین می‌نویسد: «اردکان قصبه بزرگی است در عرض میبید و عقدا از حیث موقعیت، و به مراتب مقدم بر آنهاست از حیث آبادی و مدنیت. اکنون همه ادارات دولتی در آنجا واقع است و اهالی میبید و اشکذر و سایر نقاط بلوک باید امور خود را بدانجا مرجوع دارند و ... چیزی نمانده که نام شهر بر آن صادق آید» (آیتی، ۱۳۱۷: ۴۹-۵۰).

اردکان در قانون تقسیماتی ۱۳۱۶ ش به‌عنوان بخش اردکان به‌ضمیمه دهستان‌های میبید، حومه و عقدا از بخش‌های شهرستان یزد درآمد، اهمیت مرکزیت آن افزایش یافت و تعداد



مراکز اداری و خدماتی آن‌هم به مرور زمان بیشتر شد و یکسری امتیازهای خاص اداری، به‌خصوص شهرداری و بخشداری و سایر اداره‌ها به آن تعلق گرفت. این امتیازها باعث یکسری تغییر و تحولات در اردکان شد (افخمی عقدا، ۱۳۷۶: ۱۳۲). پیش از این در ۱۳۰۸ ش بخشداری اردکان تأسیس شده بود (سپهری اردکانی، ۱۳۷۴: ۹۴) و در ۱۳۱۳ ش نیز یک‌سال پس از تأسیس بلدیۀ یزد، بلدیۀ اردکان نیز افتتاح شده بود (همان: ۹۶). در تیرماه ۱۳۲۴ ایجاد شهرستان اردکان به تصویب هیئت‌دولت رسید (پورزراع بفرویی، ۱۳۸۷: ۱۰۷)، اما در آبان همان سال این تصمیم لغو شد (سپهری اردکانی، ۱۳۷۴: ۱۰۰). به استناد صورت‌جلسۀ شورای بخش اردکان در آبان‌ماه ۱۳۲۸ که در آن به ظرفیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی آن زمان اردکان اشاره شده است، مردم از این تصمیم هیئت‌دولت ناراضی بوده‌اند و در آن تصریح شده است: شهر اردکان در دوره‌های قدیم استقلال داشته و حکام آن مستقیم از پایتخت انتصاب و اعزام می‌شده‌اند ... نظر به دلایل فوق و با توجه به اینکه استعداد شهرستان شدن اردکان در هیچ‌یک از بخش‌هایی که در سال‌های اخیر به شهرستان تبدیل شده است، به‌هیچ‌وجه کمتر نیست، تبدیل بخش اردکان به شهرستان از لحاظ انجام امور مردم و استعداد ترقی و پیشرفتی که در آن موجود است، به نظر شورای بخش بسیار لازم و ضروری تشخیص داده می‌شود (پیری اردکانی، ۱۳۸۸: ۱۹۸)؛ هرچند در فرهنگ جغرافیایی ایران در ۱۳۳۲ ش، از اداره‌های بسیاری در اردکان نام برده شده است، اما واقعیت این است که تا ۱۳۴۰ ش هنوز اردکان بافت روستاگونه خود را حفظ کرده و به‌صورت قصبه‌ای بزرگ ادامه حیات می‌داده است (مهاجر، ۱۳۴۰: ۶۴)، اما میباید در این سال‌ها همچنان از سال‌های اوج خود به دور مانده و با عناوینی همچون «بلوک»، «حومه» و بعد «دهستان» از توابع اردکان محسوب می‌شود (حیدریه‌زاده، ۲۵۳۷: ۹؛ آیتی، ۱۳۱۷: ۵۰؛ جانب‌اللہی، ۱۳۸۵: ۲۲۷). در این مورد حتی اسنادی موجود است که در آنها «حکومت اردکان خطاب به کدخدای بلوک میباید» دستوراتی داده است (پیری اردکانی، ۱۳۸۸: ۹۷). این کم‌رونقی میباید در آن سال‌ها که برگرفته از عوامل متعددی بود، سبب مهاجرت بسیاری از ساکنان آن برای تقویت بنیۀ اقتصادی خود به سایر نقاط، به‌ویژه به کشورهای حاشیۀ خلیج فارس شد (اسفنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۱۴۵).



ریشه‌یابی رقابت‌های مکانی در بستر جغرافیای تاریخی

نکته مهم آنکه در این دوره شاید برای نخستین مرتبه شاهد کشمکش‌ها و بروز رقابت‌های مکانی بین این دو نقطه هستیم؛ اردکانی‌ها که در این سال‌ها در اوج اعتبار جغرافیایی قرار دارند، به واسطه یک سنت دیرینه در خرید شیرینی شب اول اسفند (جانب‌اللّهی، ۱۳۸۵: ۷۲)، میبدی‌ها را «کاسه پُشتُگ» یا «حومه‌ای» و «بلوکی» می‌نامند و در مقابل نیز از ۱۳۲۸ش تلاش مردم میبید بر این قرار گرفت که یک یک نهادها و اداره‌های دولتی را از نظارت مقامات ذی‌ربط در اردکان بیرون آورند (موسوی‌نژاد، ۱۳۶۶: ۲).

در مورد رونق آن زمان اردکان، نقش تصمیم‌های دولتی در رشد و توسعه شهری یا به‌طور ساده شهر شدن اردکان انکارناپذیر است، زیرا برخی معتقدند تصمیم‌های سیاسی باعث مرکز قرار دادن شهر اردکان به‌عنوان شهرستان شد، در صورتی‌که شهر میبید با سابقه کهن تاریخی می‌توانست با یک تصمیم سیاسی به‌عنوان مرکز شهرستان معرفی شود (افخمی‌عقدا، ۱۳۷۶: ۲۳۵). همچنین قدرت عمومی مردم اردکان در ۱۳۰۹ش باعث عبور محور ارتباطی شمال - جنوب کشور از وسط این شهر شد (سپهری اردکانی، ۱۳۷۴: ۱۱) که در واقع توسعه و رشد اردکان در این زمان بیش از همه مرهون این دو عامل است.

۷-۱-۴. از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۸

در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ش چند اتفاق قابل توجه در ارتباط با تقسیمات کشوری و به‌تبع آن رقابت‌های مکانی این منطقه پیش آمد؛ نخست اینکه در ۱۳۴۴ش تلاش‌های ساکنین ده روستای پراکنده برای یکپارچه کردن آنها و تبدیل مجموعه به یک واحد شهری به نتیجه رسید و شهرداری میبید در این سال تأسیس شد (هامون، ج ۵، ۱۳۶۵: ۱۳ - ۴۹)؛ هرچند این بلوک از لحاظ آماری شهر به حساب می‌آمد، اما از نظر اقدام رفاهی و شهری، هنوز روستایی بیش نبوده و بهتر است آن را «شهرک روستایی» بنامیم (حیدریه‌زاده، ۲۵۳۷: ۹). در ۱۳۴۸ش فرمانداری کل یزد تأسیس و بر اساس آن شهرستان‌های اردکان، تفت و بافق نیز ایجاد شد؛ بنابراین اردکان به انضمام بخش‌های حومه و خرائق این بار به‌صورت قطعی به شهرستان ارتقا یافت (فراهی، ۱۳۷۷: ۶۸)، اما میبید در این زمان علی‌رغم ظرفیت‌های خود نتوانست به بخش ارتقا یابد. در ۱۳۵۲ش نیز فرمانداری کل یزد به استان ارتقا یافت، اما



تغییری در تعداد شهرستان‌ها و بخش‌های آن رخ نداد (فراهی، ۱۳۷۷: ۷۰)؛ هرچند در این سال‌ها و به‌ویژه با تأسیس شهرستان اردکان، میبد از توابع بخش حومه اردکان محسوب می‌شده است، اما طبق برخی مدارک، مردم میبد، حتی سال‌ها پیش از تشکیل شهرستان اردکان به فکر ایجاد واحدهای مستقل اداری بوده‌اند (حاجی شعبانی، ۱۳۶۷: ۱۲). در سال‌های دهه ۴۰ و ۵۰ با برگشت سرمایه‌های ناشی از مهاجرت کارگران میبدی به سایر نقاط، به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس، شاهد تأثیرات قابل توجهی در شرایط اجتماعی اقتصادی میبد هستیم (اسفنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۱۴۶؛ هامون، ۵، ۱۳۶۵: ۱۳ - ۵۱) که می‌توان از این دوره به‌عنوان «دوره بیداری و خیزش مجدد میبد» یاد کرد.

هرچند در این سال‌ها، به‌ویژه با تغییرات سیاسی اجتماعی رخ داده شاهد تحولاتی در رقابت‌های مکانی این دو شهر هستیم، اما با اوج گرفتن مبارزات مردم در انقلاب اسلامی، هدفی والاتر از اختلاف‌های محلی متجلی و سبب ایجاد نوعی وحدت و یکدلی در مبارزات انقلابی آن‌زمان شد که برپایی تظاهرات و راه‌پیمایی‌های مشترک و ... نمونه‌هایی از آن هستند.

۸-۱-۴. ۱۳۵۸-۱۳۶۸

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به اهمیت دادن نظام نوخاسته اسلامی به درخواست‌های مردمی، در بهمن‌ماه ۱۳۵۸ سرانجام بخش میبد در شهرستان اردکان تأسیس شد؛ در واقع سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی را سال‌های بازگشت مجدد میبد به روزگار رونق خود می‌توان دانست که نخستین گام آن با ارتقای میبد به بخش برداشته شد. آنچه باعث شدت یافتن این مهم شد علاوه بر شدت گرفتن درخواست‌های مردمی و توجه ویژه نظام اسلامی، درآمدهای برگشته از شیخ‌نشین‌ها به میبد بود که باعث ایجاد واحدهای صنعتی و اشتغال در این شهر شده بود؛ به‌گونه‌ای که در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ ش نسبت جنسی میبد به واسطه مهاجرفرست بودن آن پایین بوده، اما با شروع سرمایه‌گذاری‌های جدید که اغلب نیز مردمی بوده است و جذب نیروی کار در منطقه، شاهد نسبت جنسی بالای میبد و افزایش جمعیت آن در سرشماری سال ۱۳۶۵ ش هستیم (هامون، ۵، ۱۳۶۵: ۲۶-۲۷)؛



ریشه‌یابی رقابت‌های مکانی در بستر جغرافیای تاریخی

بنابراین در این سال‌ها بر وزن اعتباری میبید به مراتب افزوده می‌شد و اردکان نیز همان روند گذشته خود را به پیش می‌برد، اما درخصوص رقابت‌های مکانی، در طول سال‌های پیش و پس از انقلاب تنها برهه‌ای که شاید چنین رقابت‌هایی بسیار کم‌رنگ جلوه می‌کند، مربوط به سال ۵۷ پیش و پس از پیروزی انقلاب است، ولی بار دیگر این اختلاف‌ها به شکلی حاد مطرح می‌شود. اوج این حرکت‌ها در ۱۳۶۰ش بر سر اختلافی که به خاطر چاه آبی به وجود آمد نمود پیدا کرد (حاجی شعبانی، ۱۳۶۷: ۱۸)؛ بنابراین در سال‌های نخستین دهه ۶۰ رقابت‌های مکانی خود را در قالب سیستم توزیع آب در دو شهر نشان دادند (هامون، ج ۹، ۱۳۶۵: ۲۷-۷۵).

پس از ارتقای میبید به بخش و تسریع روند توسعه میبید در دهه ۶۰ که از آن می‌توان به «دهه احیای میبید» نام برد، درخواست‌های ارتقای میبید به شهرستان بسیار افزایش یافت و در این سال‌ها شاهد پیگیری‌های مکرر مردم این شهر هستیم؛ به‌گونه‌ای که بحث ارتقای سطح بخش میبید به شهرستان و انتزاع آن از شهرستان اردکان در مقطع خود یکی از بزرگ‌ترین و حساس‌ترین مسئله سیاسی اجتماعی استان بوده است (پورزارع بفرویی ۱۳۸۷: ۱۲۱). طبق گزارشی که استانداری یزد در ۱۳۶۷ش ارائه کرده است، در آن سال‌ها اهالی میبید خود در اقدامی به‌نوعی به ایجاد تشکیلات شهرستانی مستقل از اردکان اقدام و پایه‌های اداری شهرستان را ایجاد کردند و امروز بیشتر تابلوهای میبید، حتی تابلو واحدهای اداری، از پیش عنوان شهرستان دارد (حاجی شعبانی، ۱۳۶۷: ۱۸)؛ هرچند در این سال‌ها میبید همچنان از توابع اردکان محسوب می‌شد و تقریباً بیشتر طرح‌های مطالعاتی دهه ۶۰ استان وحدت این دو نقطه را مورد تأکید قرار داده‌اند و در اثر آن نوید ایجاد کانونی معتبر را از لحاظ رونق و توسعه در شمال استان یزد می‌دهند (حسینی راد، ۱۳۷۱: ۳۱۰)، اما واقعیت این است که در سال‌های پایانی دهه ۶۰ رقابت‌های مکانی شدت قابل توجهی یافت و تقریباً تمام امور در این دو نقطه و به‌ویژه در میبید تحت تأثیر درخواست‌های مکرر استقلال میبید قرار گرفت. گزارش استانداری یزد به‌خوبی این اوضاع را تشریح می‌کند: «چون دو شهر دارای اصالت هستند، ادغام آنها اختلاف‌های موجود را از بین نخواهد برد، مهم‌ترین موضوعی که مطرح است این است که نه اهالی میبید نام اردکان را خواهند پذیرفت و نه اهالی اردکان چنین امتیازی به



طرف مقابل خواهند داد و نه اینکه هیچ‌کدام اسم سومی را پذیرا خواهند بود؛ به علاوه هیچ‌یک از طرفین راضی به ایجاد تأسیسات اداری در محدود دیگر نبوده و آن چنان‌که عملاً در حال حاضر نیز وجود دارد به آن مراجعه نخواهد نمود» (حاجی شعبانی، ۱۳۶۷: ۱۴). سرانجام در آبان‌ماه ۱۳۶۹ش خواسته مردم میبید تحقق یافت و هیئت دولت با تأسیس شهرستان میبید موافقت کرد و یکی از استثنای‌ترین قالب‌های تقسیمات کشوری در سطح کشور در این منطقه شکل گرفت که به ظاهر با معیارهای عادی قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری هم‌خوانی ندارد و از استثنای‌های پیش‌بینی شده در قانون تلقی می‌شود (پورزارع بفرویی، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

۹-۱-۴ تا ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰

اکنون بیش از سی سال از انتزاع میبید از اردکان و شهرستان شدن آن می‌گذرد، اما با این همه نیز رقابت‌های مکانی این دو نقطه، نه تنها از بین نرفته، بلکه در سال‌های مختلف رنگ و بویی خاص به خود گرفته است؛ تا آنجا که در آذرماه ۱۳۷۲ش هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت، در سفر به میبید این گونه از رقابت‌های مکانی این دو شهر سخن گفت: «... من یک خواهش برادرانه‌ای از اردکانی‌ها و میبیدی‌ها دارم که حالا که هر دو قسمت شهرستانید، حالا که آن حرف‌های قدیمی جاهلی در قرن انقلاب بی‌معناست؛ برادری و دوستی و صمیمیت و همکاری را در حد اعلا حفظ بکنید و درست نقطه عکس زمان قبل باشد و نمونه دوستی و صمیمیت باشد. حیف است که مردم به این خوبی، با این ایمان و با این اعتقاد و این جهاد و این تلاش و این سازندگی با هم در دلشان از آن حرف‌های حیدری نعمتی قدیمی را داشته باشند و این محله و آن محله دیگر مناسب دوران جاهلیت است و پیغمبر آمد که در مدینه از افتخارات پیغمبر این بود که مردم را مؤتلف کرده بود. آیه قرآن که صریحاً به مردم می‌گوید که یادتان رفته بود چگونه با هم اختلاف داشتید، ولی خداوند بین شما اخوت برقرار کرد؛ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ. این مؤمنون هم میبید را شامل می‌شود هم اردکان را. در خیلی جاها این طور است، ولی این تعصب درستی نیست. برادرانه، خواهرانه



ریشه‌یابی رقابت‌های مکانی در بستر جغرافیای تاریخی

همگی با صفا و صمیمیت دست‌به‌دست هم بدهیم این منطقه را بسازید و این کوی خطرناک همسایه خودتان را فتح کنید...» (حمیدی، ۱۳۷۲: ۱۳-۱۴).

در دهه ۷۰ مهم‌ترین نمود رقابت‌های مکانی اردکان و میبد، حوزه انتخابی این دو شهرستان و به‌ویژه رقابت‌های انتخابات مجلس شورای اسلامی در این حوزه بود؛ به‌گونه‌ای که در برخی از دوره‌ها مشارکت در این حوزه به بالای ۱۰۰ درصد نیز رسید (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۷۹: ۱۸۴)؛ تا آنجاکه تقریباً در هر دوره از انتخابات مجلس شاهد درگیری‌هایی بین مردم دو شهر بودیم که آخرین و شدیدترین مورد آن مربوط به انتخابات دوره پنجم مجلس بود. سرانجام در ۱۳۷۸ش و به دنبال اجرای اصل ۶۴ قانون اساسی، علی‌رغم نظر دولت وقت که رئیس‌جمهور آن اردکانی بود، مجلس شورای اسلامی با مدنظر قرار دادن اختلاف‌های این دو شهرستان، حوزه‌های انتخابیه این دو شهرستان را از هم جدا کرد (ملاحسینی اردکانی، ۱۳۸۶: ۸۳). با این اتفاق هرچند نمود رقابت‌های مکانی این دو شهر در رقابت‌های انتخابات مجلس رفع شد، اما همچنان این رقابت در شکل‌های دیگر به خودنمایی می‌پرداخت. در این سال‌ها که میبد و اردکان کاملاً به وزن یکسانی دست‌یافته‌اند شاهد شدت یافتن رقابت‌ها نیز هستیم. نمونه‌های برون‌داد این رقابت‌ها را می‌توان در جمعیت دو شهرستان در سرشماری‌ها، اختلاف بر سر میزان تصویب یا اجرای طرح‌های عمرانی، حجم اعتبارات و حتی اختلاف در کسب افتخار رتبه نخست در آزمون سراسری در کشور و موارد بسیار دیگری دانست که مطبوعات محلی این دو شهرستان آیینۀ تمام‌نمای این اتفاق‌ها محسوب می‌شوند.

۲-۴. تحلیل یافته‌ها

با بررسی و دقت در دوره‌های تاریخی طی شده به نکات قابل تأملی در خصوص تاریخچه رقابت‌های مکانی این دو شهر می‌توان رسید.

✓ نخست آنکه قدمت این دو شهر مجاور هم پای هم نبوده و میبد قرن‌ها پیش از اردکان شکل یافته است.



- ✓ میبد تا اواخر سده هشتم هسته مرکزی و مهم‌ترین قصبه در شمال یزد بوده و بدون رقیب در اوج رونق و اعتبار جغرافیایی خود بوده است.
- ✓ در سده هشتم که اوج شکوفایی میبد است، به واسطه خاستگاه آل مظفر بودن، طعم شیرین پایتختی را نیز می‌چشد.
- ✓ در این دوران اردکان به تازگی رونق خود را آغاز کرده و قریه‌ای از توابع ولایت معتبر میبد شناخته می‌شده است.
- ✓ پس از سقوط آل مظفر شاهد تغییراتی در وزن جغرافیایی و اعتبار این دو نقطه هستیم؛ به گونه‌ای که از اعتبار میبد کاسته و بر رونق اردکان افزوده می‌شود که این موضوع جای تأمل بیشتری دارد.
- ✓ در عهد صفوی برای نخستین بار این دو نقطه جغرافیایی از نظر اعتبار و رونق در یک سطح قرار می‌گیرند و هر دو قصبه‌ای معتبر شناخته می‌شوند.
- ✓ پس از صفویه تا عصر قاجار همچنان بر رونق اردکان افزوده و از اعتبار میبد کاسته می‌شود.
- ✓ در عهد قاجار اعتبار و جایگاه این دو نقطه کاملاً جابه‌جا شده است و اردکان در اوج اعتبار خود قرار می‌گیرد و معتبرترین قصبه شمال یزد محسوب می‌شود و میبد قریه و دهی کوچک است از توابع اردکان.
- ✓ در سال‌های پس از دهه ۱۳۲۰ نخستین تلاش‌ها به منظور کم شدن این فاصله از طرف میبدی‌ها برداشته می‌شود و در دهه ۴۰ شاهد شهر شدن این منطقه هستیم.
- ✓ پس از دهه ۴۰ و تا پیروزی انقلاب اسلامی این تلاش‌ها رشد بیشتری یافت و سرمایه‌گذاری‌های لازم به منظور رفع این فاصله صورت می‌پذیرد.
- ✓ پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به اهمیت دادن به خواسته‌های مردمی در نظام نوپای اسلامی، ثمره پیگیری‌های مردمی میبدی‌ها تبدیل آن به بخش در سال ۱۳۵۸ ش بود.



ریشه‌یابی رقابت‌های مکانی در بستر جغرافیای تاریخی

- ✓ از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ ش یکی از دوره‌های اوج گرفتن این رقابت‌هاست که نمودهای مختلفی نیز داشته است. در این دهه میبید رشد قابل توجهی می‌کند و در سال ۱۳۶۸ ش سرانجام شهرستان میبید تأسیس می‌شود.
- ✓ از سال ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰ بیش از سی سال است که این دو شهر از جنبه‌های گوناگون در یک سطح قرار گرفته‌اند و به واسطه این هم‌سطحی شاهد اوج گرفتن مجدد رقابت‌های مکانی در این منطقه هستیم.
- در تحلیل دوره‌های تاریخی روابط این دو شهر نیز می‌توان گفت.
- ✓ درباره نوع رقابت‌ها و روابط تا پیش از دوره پهلوی اطلاع دقیقی نداریم و این مهم نیازمند بررسی‌های بیشتری است.
- ✓ در دوره پهلوی اول و با مدون شدن قانون تقسیمات کشوری و اجرای آن می‌توان نخستین نشانه‌های رقابت در منطقه را پیدا کرد. واکنش‌های فرهنگی در فرهنگ‌عامه دو منطقه در این زمان بیشترین نمود را دارد که به آن اشاره شد.
- ✓ در دوره پهلوی دوم نخستین تلاش‌ها به منظور هم‌سطح شدن دو منطقه برداشته می‌شود و رقابت‌ها بیشتر در خصوص ارتقای میبید به بخش است.
- ✓ در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۸ - ۱۳۶۸) و پس از ارتقای میبید به بخش، رقابت‌ها بیشتر بر استقلال میبید از اردکان تأکید دارد؛ هرچند نمود آن بیشتر در خصوص مسائل مرتبط با توزیع آب است. در دهه دوم (۱۳۶۸ - ۱۳۷۸) و پس از استقلال میبید و هم‌سطح شدن دو شهرستان رقابت‌ها بیشتر در قالب رقابت‌های انتخاباتی، به‌ویژه در انتخابات مجلس، شدید، نمود می‌یابد. در دهه سوم (۱۳۶۸ - ۱۳۷۸) و با جدا شدن حوزه‌های انتخابیه دو شهرستان، رقابت‌ها حساسیت و شکل جدیدتری به خود گرفته‌اند؛ هرچند نمود بیشتر آن در قالب اختلاف‌های مرزی است، اما تقریباً تمامی فعالیت‌های اداری، فرهنگی، عمرانی، صنعتی، آموزشی و ... دو شهرستان تحت تأثیر رقابت‌های مکانی این دو نقطه است که نمونه‌های فراوان آن را می‌توان در مطبوعات محلی منطقه شاهد بود.



۵. نتیجه گیری

امروزه توجه به مؤلفه‌های سرزمینی در قالب مفاهیم مکان، فضا، محل، منطقه و ناحیه، اساس تعریف و تحدید هویت اجتماعات انسانی قرار گرفته است؛ ناحیه و مکان برای افراد و گروه‌های مختلف ارزشمند است، زیرا عناصر و اجزای هویت آنان را تشکیل می‌دهد. یکی از نتایج چنین اتفاقی بروز رقابت‌های مکانی است؛ این رقابت‌ها در مناطق مختلف جغرافیایی و در دوره‌های مختلف زمانی، خود را به اشکال گوناگون به نمایش می‌گذارند. توانمندی نقش‌آفرینی و کارکردی عناصر و ساخت‌های مکانی فضایی در راستای تأمین نیازهای انسانی، توانمندی ارزشی مکان و فضا و اهمیت آن را در ذهن و برداشت بازیگران سیاسی و اجتماعی شکل می‌دهد و انگیزه تصاحب و دسترسی به آنها را به منظور تأمین خواست‌ها و نیازهای خود پدید می‌آورد و اقدام و حرکت و رفتارهای رقابتی یا همکاری را در بازیگران سبب می‌شود.

الگوی رقابت‌های مکانی را می‌توان در مقیاس‌های گوناگونی از نظر دامنه شمول و مکان وقوع در دسته‌بندی به شرح زیر ارائه داد.

سطح ذهنی: در این سطح که بیشتر در مقیاس فردی رخ می‌دهد، انسان‌ها تعلق به مکان خاصی را با توجه به شرایط پیش‌آمده بر مکان‌های دیگر ترجیح می‌دهند. این وضعیت بیشتر حالتی ذهنی دارد و معمولاً در همه انسان‌ها وجود دارد.

سطح گفتاری: این سطح از دو جنبه قابل توجه است؛ یکی در اشعار و نوشتار در ارتباط مدح زادبوم انسان‌ها و دیگر نسبت به مکان‌های مجاور که نمود عینی آن را می‌توان در ساختن لطیفه‌های گوناگون برای مکان‌های رقیب دانست که بیشتر ناشی از تعلق مکانی است.

سطح رفتاری با تظاهر فضایی: در این مقیاس که از آن به «سطح رفتاری» یاد می‌شود، رقابت‌های ناشی از مهر مکان تظاهر فضایی پیدا می‌کند و در فضای جغرافیایی خالق چشم‌اندازی رقابت‌آمیز می‌شود؛ به عنوان مثال درگیری‌های به وجود آمده، اعتراض‌های دسته‌جمعی و طومارنویسی‌ها و ... که علیه مکان‌های رقیب، حتی در مسائل ریز و پیش‌پا افتاده شکل می‌گیرد، همگی، در این سطح جای می‌گیرند.



ریشه‌یابی رقابت‌های مکانی در بستر جغرافیای تاریخی

با توجه به اینکه پرسش اصلی پژوهش عبارت از شناسایی ریشه تداوم رقابت‌های مکانی اردکان و میبد با توجه به همگونی کامل دو شهر یادشده از لحاظ فرهنگی بود، با توجه به ادبیات موجود در این ارتباط فرض اصلی این مقاله بدین‌گونه صورت‌بندی شد که ریشه این اختلاف‌ها را باید در مهر مکان و تعلقات ناشی از آن دانست که در گذشته روابط متقابل این دو شهرستان قابل مشاهده است؛ نه صرفاً در مسائل امروزی تقسیمات کشوری. به‌منظور ارزیابی فرضیه پژوهش ضمن انجام مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی که نتیجه آن حکایت از استمرار تاریخی این رقابت بین دو شهر یادشده دارد؛ یافته‌های میدانی و کتابخانه‌ای این پژوهش به‌خوبی ما را به پاسخ پرسش اصلی رهنمون می‌سازد و جای هیچ تردیدی نمی‌گذارد که به‌منظور حل و فصل مشکلات موجود نباید با دیدی مکانیکی به قوانین و مقررات تقسیمات کشوری نگریست، بلکه با تحلیل تاریخی جغرافیایی روابط این دو شهر، می‌توان زمینه را برای کاهش تنش‌ها و به‌کارگیری تمام توانمندی‌های موجود در منطقه برای شکوفایی و بالندگی محلی و ناحیه‌ای فراهم آورد.



منابع

- آیتی، عبدالحسین، (۱۳۱۷)، تاریخ یزد، چاپخانه گلبهار.
- ابوبی مهریزی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، سادات نعمت‌اللهی یزد در عصر صفوی، یزد: بنیاد ریحانه‌الرسول.
- احمدی پور، زهرا، و منصوریان، علیرضا (۱۳۸۵). تقسیمات کشوری و بی‌ثباتی سیاسی در ایران (۱۳۵۷-۱۲۸۵). *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال دوم، ۱: ۵۶-۸۴.
- احمدی پور، زهرا (۱۳۷۸). مروری بر تاریخچه و سیر تحولات تقسیمات کشوری در ایران. *مجله رشد جغرافیا*، ۵۰: ۴۳-۶۱.
- احمدی پور، زهرا، و قادری حاجت، مصطفی، و ملاحسینی اردکانی، رضا (۱۳۹۲). الگویابی رقابت‌های مکانی ناشی از مهر مکان در نواحی متجانس فرهنگی، مطالعه موردی: شهرهای اردکان و میبد در استان یزد. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۵ (۱): ۹۸-۱۲۱.
- اخباری، محمد، و یداللهی محسن (زمستان ۱۳۸۴). فرایند تصمیم‌گیری تقسیم استان خراسان و اثرات سیاسی اجتماعی آن، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال اول، ۲: ۷۴-۹۳.
- اسفنجاری کناری، عیسی، (۱۳۸۵)، میبد شهری که هست، جلد نخست، میبد: پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری میبد.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، (۱۳۶۴)، مرآت البلدان، ۴ جلد، ج ۱، تهران: انتشارات اسفار.
- افخمی عقدا، علیرضا (۱۳۷۶). بررسی و شناخت روابط متقابل شهر و روستا در ساختار فضایی شهر اردکان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی (مطالعات ناحیه‌ای)، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- افشار سیستانی، ایرج، (۱۳۷۸)، شناخت استان یزد، تهران: انتشارات هیرمند.
- امیر احمدیان، بهرام، (۱۳۸۳)، تقسیمات کشوری، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- باقری، اشرف‌السادات (۱۳۹۷). در جستجوی معنی و مفهوم جغرافیای تاریخی، *رشد آموزش جغرافیا*، ۱۲۲: ۵۲-۷۰.



ریشه‌یابی رقابت‌های مکانی در بستر جغرافیای تاریخی

- بشیریه، حسین، (۱۳۸۳)، ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی در ایران، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- پاکزاد، جهان‌شاه، (۱۳۸۸)، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، چاپ سوم، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- پورزارع بفرویی، مرتضی (۱۳۸۷). تأثیر رقابت‌های مکانی بر چگونگی سازمان‌دهی سیاسی فضا (مطالعه موردی شهرستان‌های اردکان و میبد). پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- پویا، سید عبدالعظیم، (۱۳۷۱)، سیمای باستانی شهر میبد، یزد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد.
- پیری اردکانی، نادر، (۱۳۸۸)، به زلالی چشمه (مجموعه اسناد و مکتوبات اردکان)، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۷۹). پویش انتخابات پارلمانی در حوزه اردکان و میبد. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. دوره ۱۵۶، ۹۶۷: ۱۷۷-۱۸۵.
- تانکیس، فرن، (۱۳۸۸)، فضا، شهر و نظریه اجتماعی؛ مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری (ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تشکری بافقی، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، مشروطیت در یزد، یزد: انتشارات مرکز یزدشناسی.
- جانب‌اللّهی، محمدسعید، (۱۳۸۳)، چهل گفتار در مردم‌شناسی میبد. دفتر اول فرهنگ و فناوری قنات، تهران: انتشارات روشنان.
- جعفری، محمدبن‌حسن، (۱۳۸۴)، تاریخ یزد (به کوشش ایرج افشار)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- جونز، مارتین، و جونز، رایس، و وودز، مایکل، (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی (ترجمه زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حاجی شعبانی، محمد، (۱۳۶۷)، میبد و تقسیمات کشوری، یزد: استانداری یزد.
- حافظ‌نیا محمدرضا، احمدی‌پور، زهرا، و قادری حاجت، مصطفی، (۱۳۸۹)، سیاست و فضا، مشهد: انتشارات پایلی.



- حافظ نیا، محمدرضا، و کاویانی راد، مراد، (۱۳۸۳)، افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۷۹)، مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی (۱)، قم: انتشارات سازمان حوزه‌ها و مدارس علمی خارج از کشور.
- حسینی راد، رضا (۱۳۷۱). تحلیل توسعه اقتصادی منطقه یزد از دید آمایش سرزمین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده اقتصاد و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (ع).
- حمیدی، علی، (۱۳۷۲). شهرستان میبد: جایگاه تمدن، اندیشه، صنعت، میبد: فرمانداری میبد.
- حیدریه‌زاده، محمود، (۲۵۳۷)، بلوک میبد، تهران: انتشارات چکیده.
- دائرةالمعارف تشیع، (۱۳۶۸)، زیر نظر صدر، حاج سیدجوادی احمد، فانی، کامران، و خرمشاهی، بهاء‌الدین، تهران: سازمان دائرةالمعارف تشیع.
- دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، (۱۳۷۵)، زیر نظر موسوی بجنوردی، کاظم. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- سپهری اردکانی، علی، (۱۳۷۴)، تاریخ اردکان، ۳ جلد، ج ۲، اردکان: انتشارات حنین.
- سپهری اردکانی، علی، (۱۳۸۶)، یونان کوچک، اردکان: انتشارات قداست.
- سید رکن‌الدین، (۱۳۶۵)، وقفنامه جامع‌الخیرات، یزد: انتشارات اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه.
- شکویی، حسین، (۱۳۸۲)، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، تهران: گیتاشناسی.
- شکویی، حسین، (۱۳۷۸)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، تهران: سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- شیعه، اسماعیل، (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری، چاپ دوازدهم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.



ریشه‌یابی رقابت‌های مکانی در بستر جغرافیای تاریخی

- طاهری، احمد، (۱۳۱۷)، تاریخ یزد، یزد: چاپخانه گلبهار.
- طباطبایی اردکانی، سید محمود، (۱۳۸۱)، فرهنگ عام، اردکان، تهران: شورای فرهنگ عمومی استان یزد.
- طباطبایی اردکانی، سید محمود، (۱۳۸۹)، واژه‌نامه گویشی اردکان، تهران: مؤسسه پیشین‌پژوه.
- طرب نائینی، محمدجعفر بن محمدحسین، (۱۳۵۳)، جامع جعفری (به کوشش ایرج افشار)، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- فراهی، محترم، (۱۳۷۸)، سیر تحول نقشه و تقسیمات کشوری ایران ۱۲۸۵ - ۱۳۸۳ هجری شمسی، تهران: معاونت سیاسی و اجتماعی وزارت کشور.
- فرید، یدالله، (۱۳۷۹)، شناخت‌شناسی و مبانی جغرافیای انسانی، اهر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.
- فتحی، کوروش، (۱۳۹۹)، کاربرد جغرافیای تاریخی در آموزش تاریخ. پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی. دوره دوم (۲): ۴۹-۷۳.
- فضل‌الله همدانی، خواجه رشیدالدین، (۲۵۳۶)، وقف‌نامه ربع رشیدی (به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار)، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- فلاح مدواری، حجت (۱۳۸۲). بررسی نظام شهری استان یزد و برنامه‌ریزی بهینه آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، یزد: دانشگاه یزد.
- فلاحت، محمدصادق، (۱۳۸۵)، مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن، تهران: نشریه هنرهای زیبا، ۲۶: ۵۸-۷۴.
- قریب، قاسم (۱۴۰۰). روش پژوهش و آموزش در جغرافیای تاریخی از منظر دانش تاریخ. پویش در آموزش علوم انسانی. ۲۳: ۵۷-۷۰.
- قنبری، قاسم (۱۳۸۷). تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری (مود: استان فارس). پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- کاتب، احمد، (۱۳۸۶)، تاریخ جدید یزد (به کوشش ایرج افشار)، تهران: امیرکبیر.



- کاویانی راد، مراد، (۱۳۸۹)، ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کتبی، محمود، (۱۳۶۴)، تاریخ آل مظفر (به اهتمام و تحشیه عبدالحسین نوایی)، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کریمی پور، یدالله، و محمدی، حمیدرضا، (۱۳۸۸)، ژئوپلیتیک ناحیه‌گرایی و تقسیمات کشوری ایران، تهران: نشر انتخاب.
- کریمی پور، یدالله، (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر تقسیمات کشوری ایران. تهران: انجمن جغرافیایی ایران.
- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی - سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.
- مدنی‌پور، علی، (۱۳۷۹)، طراحی فضای شهری (نگرشی بر فرایند اجتماعی و مکانی)، تهران: شرکت برنامه‌ریزی و پردازش.
- مستوفی بافقی، محمد مفید، (۱۳۸۵)، جامع مفیدی (به کوشش ایرج افشار)، ۳ جلد، ج ۳، تهران: انتشارات اساطیر.
- مستوفی، حمدالله، (۱۳۶۲)، نزهة القلوب (به اهتمام و تصحیح گای لیسترانج)، تهران: دنیای کتاب.
- ملاحسینی اردکانی، رضا، (۱۳۸۶)، بررسی تغییرات یکصدساله حوزه‌های انتخابیه استان یزد و ارائه الگوی بهینه، طرح تحقیقاتی. یزد: استانداری یزد.
- موسوی‌نژاد، سید رضا (۱۳۶۶). بررسی جغرافیای اقتصادی شهر میبد. پایان‌نامه کارشناسی جغرافیا، یزد: دانش سرای عالی یزد.
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی (ترجمه دره میرحیدر)، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- میرحیدر، دره، و ذکی، قربانعلی، (۱۳۸۱)، بررسی نظام جغرافیایی - سیاسی ناحیه‌ای و امکان‌سنجی آن در ایران. پژوهش‌های جغرافیایی. شماره ۴۲: ۴۹-۶۴.
- میرکتولی، جعفر، و منافی آذر، رضا (۱۳۸۸)، درآمدی به اقتصاد فضا، گرگان: دانشگاه گلستان.



ریشه‌یابی رقابت‌های مکانی در بستر جغرافیای تاریخی

- نواب رضوی، میرزا محمد، (۱۳۸۸)، *خاطرات وکیل التولیه* (به کوشش علی اکبر تشکری بافقی)، ۲ جلد، ج ۲، تهران: انتشارات سخن.
- هاگت، پیتر، (۱۳۸۲)، *جغرافیا ترکیبی نو* (ترجمه شاپور گودرزی نژاد)، ۲ جلد، ج ۲، تهران: انتشارات سمت.
- هامون، گروه مطالعاتی، (۱۳۶۵)، *مطالعه جامع توسعه اقتصادی و اجتماعی استان یزد*، ۷ جلد، ج ۵، جمعیت و جوامع. یزد: سازمان برنامه و بودجه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سال چهارم، شماره ۱۴
بهار ۱۴۰۳

Tracing the Origins of Spatial Competition within the Context of Historical Geography: A Comparative Study of the Cities of Maybod and Ardakan

Reza MollaHosseini Ardakani

Abstract

A sense of place as a logical outcome of human social life in a specific geographical location has existed throughout various historical periods, with feelings of superiority over others serving as a catalyst for spatial competitions. These competitions encompass a range of scales, from local to national levels. The cities of Ardakan and Maybod share cultural homogeneity, identity similarities, and geographical proximity, reflecting their geographical interconnectedness. The spatial competitions between these two cities have continually sparked reflection and inquiry, with the question of how these relationships and rivalries have developed within the context of historical geography being the focus of this article. This research is practical in nature and is conducted using descriptive and analytical methods. By relying on library resources and existing documents, the study employs a trend analysis approach and the interpretation of geographical and historical sources to collect and analyze findings. The findings of this research indicate that the spatial competitions of these two cities are not confined to specific issues pertaining to recent years; instead, the roots of this rivalry should be sought in historical geography and the collective historical memory of the inhabitants of these two cities, rather than solely in contemporary matters related to territorial divisions.

Keywords: English Sense of place, spatial competition, historical geography, Ardakan, Maybod

